

کاربردهای کلمه «أَنْفُسِكُمْ» در قرآن کریم

جهانگیر امیری، علی سلیمی و نبی‌الله پاکمنش

چکیده

کلمه (أنفس) در زبان عربی، از لحاظ ساختاری و معنایی، کاربردهای متفاوتی دارد، گاهی در جمله‌ای که فاعل و مفعول آن، یکی است، به همراه ضمایر متصل، مفعول جمله است، مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» (تحریم، ۶) که در حقیقت تنها ضمیر (کُم)، مفعول بوده و این ترکیب، معادل ضمیر انعکاسی زبان انگلیسی (yourself) است، گاهی هم به معنای حقیقی خود یعنی (جان) است، مانند: «وَوَظَّيْفَهُ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ» (آل عمران، ۱۵۴). و در مواقعی با وجود قرینه، به معنای مجازی (همدیگر) است، مانند: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ» (نور، ۶۱) و یا به معنای «هوای نفس» نیز آمده است، مانند: «وَلَسَوْلتَ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أُمَّرًا» (یوسف، ۱۸). کم توجهی به این کاربردهای متفاوت، باعث شده است که برخی از مترجمان، آیاتی همچون: «...فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (بقره، ۵۴) را به معانی مختلفی ترجمه نمایند. در جستار پیش روی، سعی شده است با مراجعه به تفاسیر، کتاب‌های نحوی و معاجم، شیوه‌های تشخیص این کاربردهای متفاوت ارائه و ترجمه بهتر پیشنهاد گردد.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، قتل نفس، ضمیر أنفسکم، ترجمه قرآن.

مقدمه و پیشینه تحقیق

ترجمه متون مقدس، از جمله کتاب آسمانی قرآن کریم، با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد زبان عربی و از همه مهم‌تر با عنایت به انتخاب و چینش کلمات از سوی خداوند حکیم، هرگز ترجمه آن به هر زبان دیگری، قرآن نخواهد بود و درک صحیح و درست مطالب آن حتی برای عرب زبانان نیز گاهی نیاز به شرح و توضیح بیشتر دارد. اما پیروان غیر عرب زبان این دین کامل الهی نیز علاقه شدیدی به درک و فهم این کتاب آسمانی به اندازه استعداد و توانایی خود دارند و تنها چیزی که می‌تواند این عطش شدید را و لو به صورت مختصر جبران نماید، ترجمه آن است. بنابر این ترجمه چنین متنی به هر زبان دیگری از جمله زبان فارسی، نیاز به تبحر در علوم مختلف و از همه مهم‌تر آشنایی کامل به زبان و ادبیات عرب دارد، زیرا در بیشتر موارد اکتفا نمودن به ترجمه تحت اللفظی کلمات، بدون توجه به معانی برخی از ترکیب‌های خاص که در این زبان کاربرد مخصوصی دارند، موجب ترجمه متفاوت آنها خواهد بود. از جمله این موارد کاربرد کلمه (أنفس) است که هم از لحاظ ساختاری و هم از لحاظ معنایی به صورت‌های مختلفی می‌تواند کاربرد داشته باشد:

۱. (أنفسکم) به معنای (خودتان)، معادل ضمیر انعکاسی زبان انگلیسی (yourself). و در مواقعی که فاعل و مفعول یک فعل، شخص واحدی باشد، مفعول، دیگر نمی‌تواند به صورت ضمیر متصل بیاید بلکه به همراه (نفس، أنفس) می‌آید که در حقیقت این ترکیب یک کلمه محسوب می‌گردد.

۲. گاهی همین ترکیب به عنوان نقش تابع برای تأکید معنوی به کار می‌رود، مانند: رَأَيْتُ الْحُجَّاجَ أَنْفُسَهُمْ.

۳. در بعضی از موارد این کلمه در مفهوم حقیقی خود به معنای (جان و نفس) به کار می‌رود، مانند: ﴿وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ﴾ (آل‌عمران، ۱۵۴) ... و گروهی (منافقین و مردم دورو، از ترس جان) و عده‌ای تنها پروای جان خویش داشتند.

۴. گاهی هم به صورت مجاز به معنای شخص یا اشخاص دیگری به کار می‌رود که به قرینه شباهت و قرابت، نفس آنها شمرده می‌شود، مانند: ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَأَبْنَاكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ﴾ (آل‌عمران، ۶۱). منظور از (أَنْفُسَنَا) یقیناً شخصی غیر از پیامبر است.

۵. و یا به معنای هوای نفس نیز به کار می‌رود، مانند: «قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً» (یوسف، ۱۸) گفت: «هوسهای نفسانی شما، این کار را برایتان آراسته». قرشی در قاموس قرآن برای (نفس) پنج معنا ذکر کرده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۷/۹۴). بنابراین تشخیص درست این کاربردها، در هر عبارتی تأثیر بسزایی در فهم مدلول آن دارد. البته از این کاربردها، در کتاب‌های نحوی تنها نوع دوم به صورت یک مبحث مستقل بیان و در بعضی از آنها در مبحث افعال قلوب به نوع اول، اشاره‌ای شده است و همچنین در بعضی از کتب معاجم، برای نوع چهارم، نمونه‌هایی ذکر گردیده است ولی این کاربردهای متفاوت تاکنون به صورت یکجا و در کنار هم، مطرح نشده‌اند تا با مقایسه بتوان آنها را از یکدیگر تشخیص داد. لذا در این جستار سعی شده است تعدادی از این موارد را که موجب شده است مترجمان محترم قرآن کریم، برداشته‌های متفاوتی از یک عبارت داشته باشند، مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم و به نقد برخی از ترجمه‌های موجود پردازیم و در نهایت با توجه به قواعد موجود در کتاب‌های مختلف صرفی و نحوی و معاجم، راه‌های تشخیص این کاربردها را ارائه و ترجمه بهتر را پیشنهاد کنیم. در اینجا به توضیح بیشتر این موارد می‌پردازیم.

الف) کاربردهای متفاوت ساختاری

در بعضی از موارد با اضافه شدن کلمات (نفس و آنفس) به ضمایر متصل، ساختار جدیدی به دست می‌آید که در حقیقت معنا و مفهوم این کلمات دیگر مورد نظر نبوده بلکه این ترکیب به صورت یک کلمه مستقل، در جمله استفاده می‌شود.

۱. کاربرد این کلمات به عنوان ضمیر (معادل ضمایر انعکاسی)

همچنان که قبلاً بیان شد، در مواردی که فاعل و مفعول یک فعل، شخص واحدی باشد و یا مفعول اول و دوم یک فعل دو مفعولی، یک چیز باشد بجز افعال قلوب، در این حالت ضمیر متصل منصوبی در مفرد به همراه (نفس) و در سایر موارد، همراه (أنفس) می‌آید که در حقیقت همانند ضمایر منفصل منصوبی یک کلمه محسوب شده و معادل ضمایر انعکاسی زبان انگلیسی بوده و به معنای (خودم، خودت، خودشان) هستند. این شیوه کاربرد در قرآن فراوان آمده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر، ۱۹).

□ ۸۳ کاربردهای کلمه «أنفسکم» در قرآن کریم...

— و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد ... (فولادوند).

— و مانند کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند (یاغی درگاه او شده اوامر و نواهی را واگذاشتند) پس خدا هم آنان را فراموش نمود (ایشان را بخودشان واگذاشت، و از رحمت و مهربانیش بی بهره شان گردانید) ... (فیض الاسلام).

— و چون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند پس (خداوند نیز) آنان را از یاد خودشان برد ... (گرمارودی).

— و مانند آنان نباشید که به کلی خدا را فراموش کردند، خدا هم (حظ روحانی و بهره ابدی) نفوس آنها را از یادشان برد، ... (قمشه‌ای).

در این آیه، کلمه (أنفسهم)، مفعول دوم فعل (أنسی) است و چون با مفعول اول (هم) یکی بوده، به همراه (أنفس) به کار رفته است. با مقایسه ترجمه‌های فوق مشخص می‌گردد، در ترجمه آقای فیض الاسلام، اولاً فعل به صورت تک مفعولی ترجمه شده (اگرچه در شرح کمی اصلاح شده) ثانیاً خداوند آنها را به خودشان واگذاشته، بلکه خودشان را هم از یادشان برده است.

۲. ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوًا أَنفُسَكُم وَأَهْلِيكُم نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...﴾ (تحریم، ۶).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگها هستند نگه دارید. (آیتی)

ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست حفظ کنید. (انصاریان)

۳. ﴿... إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾

(زمر، ۱۵).

... زیان‌کنندگان کسانی هستند که در روز قیامت خود و خاندانشان را از دست بدهند.

بهوش باشید که این زبانی آشکار است. (آیتی)

در دو آیه اخیر هم از آنجا که مفعول و فاعل، یکی هستند لذا مفعول، به همراه

(أنفس) آمده است چنان که در تفسیر آلاء الرحمن می‌خوانیم:

و فی قوله تعالی فی سورة التحريم، ﴿قُوًا أَنفُسَكُم وَأَهْلِيكُم نَارًا﴾ و فی سورتی الزمر و

الشوری، ﴿الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ﴾ فلا تكون النفس مستعملة إلا على وجه الحقیقه

فی نفس الإنسان الذی أضيفت الیه (بلاغی، ۱۴۲۰: ۱/۲۹۲). به معنای (خودتان، خودشان)

می‌باشند. این نوع کاربرد در قرآن فراوان آمده است که ما در اینجا به همین اندازه بسنده می‌کنیم.

۲. کاربرد تأکیدی این ترکیب

این کلمات در صورت اضافه شدن به ضمایر متصلی که مرجعشان همان اسم ما قبل خودشان باشد به عنوان تأکید برای آن اسم محسوب می‌گردند و این ساختار نیز اگر چه در کتاب‌های نحوی، به آن اشاره شده است ولی با توجه به بررسی ما در آیات قرآن کریم، شاهدی برای آن پیدا ننمودیم، مانند: «رَأَيْتُ مُحَمَّدًا نَفْسَهُ»، «رَأَيْتُ فَاطِمَةَ نَفْسَهَا»، «جَاءَ الْحُجَّاجُ أَنْفُسَهُمْ». که تشخیص آن از موارد دیگر با توجه به ذکر اسم مؤکد قبل از آن، بسیار راحت‌تر است.

ب) کاربردهای متفاوت معنایی

و اما در مواردی هم که هدف از کاربرد این کلمات، معنا و مفهوم آنها بوده است، باز هم این کلمات در معانی مختلفی به کار رفته‌اند که در کتاب‌های فرهنگ و لغت به تعدادی از این معانی اشاره شده است. البته برای تشخیص معانی حقیقی و مجازی این کلمه همانند هر کلمه دیگری، قراین موجود در جمله باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

۱. کاربرد حقیقی به معنای (جان و نفس)

کلمه (أنفس) در بیشتر موارد به معنای حقیقی خود، یعنی (جان و نفس) به کار می‌رود مانند: «وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ» (آل‌عمران، ۱۵۴) ... و گروهی (منافقین و مردم دورو، از ترس جان) عده‌ای تنها پروای جان خویش داشتند. و در موارد بسیاری هم در مقابل مال و ثروت استعمال شده است، مانند: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَبِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً» (نساء، ۹۵). هرگز مؤمنانی که بدون عذر از جهاد باز نشستند با آنان که به مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود، خدا مجاهدان (فداکار) به مال و جان را بر باز نشستگان (از جهاد) بلندی و برتری بخشیده است.

۲. کاربرد مجازی به معنای هوای نفس

گاهی این کلمه نه به معنای جان و نفس بلکه به صورت مجاز به معنای خواسته‌های درونی آن، به کار می‌رود، مانند:

﴿وَ جَاؤْ عَلَى قَمِيصِهِ يَدْمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ﴾ (یوسف، ۱۸).

- و پیراهن او را با خونی دروغین (آغشته ساخته، نزد پدر) آوردند گفت: «هوسهای نفسانی شما این کار را برایتان آراسته! من صبر جمیل (و شکیبایی خالی از ناسپاسی) خواهم داشت و در برابر آنچه می‌گویید، از خداوند یاری می‌طلبم!» (مکارم).

۳. کاربرد مجازی به معنای (یکدیگر)

این شیوه کاربرد که در حقیقت شاهد اصلی در این مقاله نیز هست، کاربرد این کلمات به صورت مجاز به معنای (دیگران) است، که همانند هر مجاز و استعاره دیگری نیاز به قرینه دارد و این قرینه با توجه به سیاق آیه، ممکن است لفظی یا معنوی باشد. در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آیات فوق پرداخته و تعدادی از ترجمه‌های موجود را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

۱. ﴿تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران، ۶۱).

در این آیه شریفه با توجه به دو قرینه موجود در آن، کلمه (أنفسنا) نمی‌تواند در معنای حقیقی خودش به کار رفته باشد، زیرا اولاً ضمیر مستتر (نحن) در فعل (ندع) با ضمیر «نا» در «أنفسنا»، یکی نیستند. چون اولی به دو گروه متخاصم (گروه پیامبر و گروه مسیحیان) ولی دومی تنها به همراهان پیامبر برمی‌گردد. ثانیاً دعوت کننده می‌بایست متفاوت با دعوت شده باشد، و این درست نیست که کسی خودش را دعوت کند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌گوید: ضمیر متکلم مع‌الغیر «نا - ما» در کلمه «ندع» با همین ضمیر در کلمات «أبنائنا» و «نساءنا» تفاوت دارد، اولی به دو طرف متخاصم، یعنی رسول خدا (ص) و بزرگان نجد که مسیحی بودند برمی‌گردد و آن سه ضمیر دیگر به رسول خدا (ص) و همراهانش، و به همین جهت سخن آیه در این معناست که فرموده باشد بیاید تا ابناء و نساء و انفس را بخوانیم و آن گاه ما ابناء و نساء و انفس خود را و شما هم ابناء و نساء و انفس خود را دعوت کنید... بنا بر این در کلام اختصارگویی لطیفی به کار رفته است. (موسوی، ۳۲۱: ۳/۱۳۷۴). و در تفسیر آلاء الرحمن چنین آمده است:

وَأَنْفُسَنَا أَى وَنَدَحْ أَنْفُسَنَا وَلَا بَدَّ مِنْ أَنْ يَكُونَ الدَّاعِى غَيْرَ الْمَدْعُوِّ وَالْمَرَادُ هُوَ الشَّخْصَ الَّذِى يَرَى دَاعِيَهُ إِنْ وَجُودَهُ فِي الْأَثَرِ وَالْمَزَايَا وَالْفَضِيلَةَ وَالْغَايَةَ بِمَنْزِلَةِ وَجُودِهِ فِي ذَلِكَ أَوْ اقْرَبِ النَّاسَ إِلَى مَقَامِ وَجُودِهِ وَمَا يَطْلُبُهُ مِنْ غَايَةِ وَجُودِهِ وَبِذَلِكَ يَقُولُ هَذَا نَفْسِي بِتَنْزِيلِ صَحِيحٍ وَ مَجَازٍ مَقْبُولٍ (بلاغى، ۱۴۲۰: ۱/۲۹۰).

بنابر این کلمه «أنفسنا» به قرینه لفظی در معنای حقیقی خود به کار نرفته و به معنای خودمان نبوده بلکه به صورت مجازی به معنای کسی است که (به منزله جان و نفس ما) است. هم اکنون نمونه‌هایی از ترجمه این آیه را ذکر می‌کنیم تا ببینیم چه اندازه در این موضوع دقت شده است.

... بیایید پسران ما و پسران شما و زنهای ما و زنهای شما و آنهایی که به منزله جان ما و جان شما باشند، دعوت کنیم... (ارفع)
... بیایید ما و شما فرزندان و زنان و کسانی را که به منزله خودمان هستند بخوانیم...

(قمشه‌ای)



... بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم... (فولادوند)
... بیایید فرزندانمان و فرزندانتان و زنانمان و زنانتان و خودمان و خودتان را فراخوانیم (فارسی)
... بیایید تا ما و شما، خود و زنان و فرزندانمان را فرا خوانیم... (طاهری)

۲. ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ...﴾ (نور، ۶۱).

شاهد دیگری که کلمه (أنفس) در معنای مجازی به کار رفته است، همین آیه است زیرا سلام کردن را مقید به قیود زمان و مکان (هنگامی که وارد خانه‌ای شدید) کرده است و از این قیود فهمیده می‌شود منظور دیگران است نه خویشان، و اگر به فرض این که در خانه کسی هم نباشد، باز هم جهت رعایت احتمال و همچنین نوعی اذن ورود و اعلان ورود برای اهل خانه است و در غیر این صورت سلام کردن بر خویشان چه نیازی به چنین قیودی داشت؟ در لسان العرب آن را به معنای برادر {دینی} گرفته است: وَأَمَّا النَّفْسُ بِمَعْنَى الْأَخِ فَشَاهِدُهُ قَوْلُهُ سَبْحَانَهُ: ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ﴾ (لسان العرب، بی تا: ۱/۶)

□ ۸۷ کاربردهای کلمه «أنفسکم» در قرآن کریم...

(۲۳۴)، و اما مترجمان محترم باید به این نکته توجه نمایند که در این موارد اگر به ترجمه تحت اللفظی کلمات بسنده نمایند، مخاطبان آنان که اکثرشان با قواعد زبان عربی آشنایی ندارند، از مفهوم این عبارات چیزی را متوجه نمی‌شوند، و اگر می‌خواهند ترجمه آنها مورد استفاده دیگران قرار گیرد، باید این نکات را رعایت نمایند. حال به تعدادی از ترجمه‌های موجود و میزان توجه آنها به این نکته اشاره می‌کنیم.

«... و چون به خانه‌ای داخل شوید بر یکدیگر سلام کنید.» (آیتی)

«... و (با وجود این دستور باز) هر گاه بخواهید به خانه‌ای (از اینها) داخل شوید نخست بر خویش سلام کنید (یعنی چون به خانه یا مسجدی درآیید بر مسلمانان و همدینان خودتان یا اگر کسی نباشد بر نفس خود باز سلام کنید و خلاصه با خبر وارد شوید)... (الهی قمشه‌ای)

«... پس هرگاه به خانه‌هایی [که ذکر شد] وارد شدید، بر خودتان سلام کنید که

درودی است از سوی خدا...». (انصاریان)

«... پس چون به خانه‌هایی [که گفته شد] درآمید، به یکدیگر سلام کنید...» (فولادوند)

«... پس هر گاه در خانه‌ها درآئید بر خودتان (برخی بر برخی دیگر) سلام کنید و

دروود فرستید (ناگفته نماند: «فَسَلِّمُوا عَلٰی اَنْفُسِكُمْ» «بر خودتان سلام کنید و درود فرستید»

مانند «فَأَقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ» «پس خود را یعنی یکدیگر را بکشید» است، و برخی گفته‌اند:

مراد از سلام و درود بر خود، سلام و درود بر اهل بیت خود است)... (فیض‌الاسلام). «... و

هنگامی که داخل خانه‌ای شدید، بر خویشتن سلام کنید...» (مکارم).

۳. «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يٰقَوْمِ اِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ اَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فَنُتُوْا اِلٰی بَارِئِكُمْ فَاَقْتُلُوْا اَنْفُسَكُمْ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلٰیكُمْ اِنَّهٗ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ» (بقره، ۵۴).

در چهار آیه قرآن کریم از جمله این آیه، کلمه «أنفسکم» بعد از صیغه‌های مختلف فعل (قتل) آمده است که به توضیح آیه‌های بعدی نیز خواهیم پرداخت. در این آیات از آنجا که برخلاف دو مورد قبلی قرینه واضح و آشکاری دیده نمی‌شود که به راحتی قابل استناد باشد و بتوان حکم بر مجازی بودن معنای این کلمه نمود، لذا تعدادی از مفسران و مترجمان قرآن، حمل بر معنای حقیقی کرده و در نتیجه آن را به معنای (خود کشی و انتحار) گرفته‌اند، و اما با توجه به سیاق آیات، خصوصاً کلمات پایانی آنها، همچنان که بیشتر مفسران هم بر این عقیده‌اند، در این آیات نیز به معنای مجازی بوده است یعنی: همدیگر را بکشید. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: «پس جمله: «فَأَقْتُلُوا

أَنْفُسَكُمْ» هم قطعاً خطاب به همه نیست، بلکه منظور آنهایی هستند که گوساله پرستیدند، هم چنان که آیه: ﴿إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلِ﴾ (شما با گوساله پرستی خود به خویشتن ستم کردید)، نیز بر این معنا دلالت دارد، و جمله ﴿ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ﴾ الخ تتمه‌ای از حکایت کلام موسی^(ع) است، و این خود روشن است. و جمله ﴿فَتَابَ عَلَيْكُمْ﴾ الخ، دلالت دارد بر اینکه بعد از آن کشتار، توبه‌شان قبول شده، و در روایات هم آمده: که قبولی توبه ایشان قبل از کشته شدن همه مجرمان نازل شد. از اینجا می‌فهمیم، که امر به یکدیگرکشی، امری امتحانی بوده، نظیر امر به کشتن ابراهیم، اسماعیل فرزند خود را، که قبل از کشته شدن اسماعیل خطاب آمد: ﴿يَا اِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا﴾ (ای ابراهیم تو دستوری را که در خواب گرفته بودی، انجام دادی) در داستان موسی^(ع) هم آن جناب فرمان داده بود که: (به سوی آفریدگارتان توبه ببرید، و یکدیگر را بکشید که این در نزد باری شما، برایتان بهتر است). خدای سبحان هم همین فرمان او را امضا کرد، و کشتن بعضی را کشتن کل به حساب آورده، توبه را بر آنان نازل کرد» (موسوی، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۸۸). در مجمع البحرین نیز چنین آمده است: أَي لِيَقْتُلَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، أَمْرٌ مَنْ لَمْ يَعْبُدِ الْعِجَلَ أَنْ يَقْتُلَ مَنْ عَبَدَهُ (طریحی، ۱۳۷۵: ۴/ ۱۱۲). یعنی: دستور داد کسی که گوساله نپرستیده، آن کسی را که گوساله پرستیده است بکشد. از لحاظ شرعی و عقلی هم به نظر می‌رسد که این افراد به خاطر بازگشت به گوساله پرستی، مرتدّ هم شده باشند و شایسته است توسط دیگران مورد مجازات قرار بگیرند نه توسط خودشان، لذا مفهوم مجازی آن در آیه استفاده شده است. تعدادی از ترجمه‌های این آیه ارائه می‌گردد:

- ... به خدای خود بازگردید و خودتان را بکشید ... (قرشی).
- ... پس به سوی خدای خویش باز گردید و خودتان را بکشید ... (ارفع).
- ... پس بازگردید بسوی پروردگارتان پس بکشید خودتان را ... (اشرفی).
- ... اکنون به سوی آفریدگار خود بازگردید و نفس‌هایتان را بکشید ... (برزی).
- ... اکنون بسوی پاک آفرین خود برگردید و توبه آرید پس خود را بکشید. این توبه و خودکشی بهتر و بسود شما است ... (طالقانی).
- ... توبه کنید و به سوی خالق خود بازگردید، و خود را به قتل برسانید، ... (مترجمان).
- ... اکنون به درگاه آفریدگار خود بازآیید و [هوای] نفس خود را بکشید ... (طاهری).
- ... پس بسوی آفریدگارتان توبه آرید و خویشتن را بکشید ... (فارسی).

□ ۸۹ کاربردهای کلمه «أنفسکم» در قرآن کریم ...

... پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید، و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید ... (فولادوند).

... پس (چاره آن و رهایی از عذاب جاوید آنست که) بسوی آفریننده خویش توبه و بازگشت نمائید و خود (یکدیگر را) بکشید (آنکه گوساله نپرستیده گوساله پرست را بکشد) که کشتن یکدیگر را (از زنده ماندن در دنیا) برای شما نزد آفریننده تان بهتر است (از اینکه در آخرت بعداب جاوید گرفتار شوید) ... (فیض الاسلام).

... فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ خَوِشْتَن رَا بَكْشِيد ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ أَنْ بَه اسْت شَمَا رَا ... (میدی)
... پس به سوی آفریننده خود بازگردید، و [افرادی از] خودتان را [که گوساله را به پرستش گرفتند] بکشید که این [عمل] برای شما در پیشگاه آفریدگارتان بهتر است ... (انصاریان).

۴. «ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرَجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِّن دَيْرِهِمْ تَطْهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (بقره، ۸۵).

در این آیه چون مقام، مقام توبیخ قوم بنی اسرائیل است، لذا سیاق آیه با چنین قرینه‌ای حکم بر استعمال کلمه «أنفسکم» در معنای مجازی خود را دارد و به همین خاطر قریب به اتفاق مترجمان در ترجمه این آیه اختلافی نداشته و آن را به معنای (کشتن همدیگر) گرفته‌اند، زیرا معنای (خودکشی) با سیاق آیه همخوانی ندارد. به ذکر چند ترجمه برای نمونه اکتفا می‌کنیم:

... پس شما همان جماعتی هستید که یکدیگر را می‌کشید و گروهی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌رانید... (برزی)

... اما این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌کنید... (مکارم).

... (با این عهد و اقرار) باز شما (به همان خوی زشت) خون یکدیگر می‌ریزید و گروهی از خودتان را از دیارشان می‌رانید ... (قمشه‌ای).

۵. «وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اقْرَبُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيثًا» (نساء، ۶۶).

در این آیه که خطاب به مسلمانان است در حقیقت اشاره به دو حکمی دارد که قبلاً برای قوم یهود صادر شده بود، پس اگر در آیه ۵۴ سوره بقره با قرینه‌هایی که ذکر گردید، پذیرفته باشیم که قتل نفس، در معنای مجازی خود به کار رفته است، در این آیه نیز

مسئلاً معنای مجازی آن استعمال شده است. با این مقدمه به ذکر نمونه‌هایی از ترجمه‌های موجود می‌پردازیم:

- و اگر بر آنان مقرر می‌کردیم که خودتان را بکشید یا از خانه‌های خود بیرون بروید، جز اندکی از آنان، آن کار را انجام نمی‌دادند، ... (برزی).

- و اگر بر آنان مقرر می‌کردیم که خودکشی کنید، یا از دیار و کاشانه خود بیرون روید، جز اندکی از آنان انجام نمی‌دادند ... (انصاریان).

- و اگر ما به آنها حکم می‌کردیم که خود (یعنی یکدیگر) را بکشید یا از دیار خود

(برای جهاد) بیرون روید بجز اندکی اطاعت امر نمی‌کردند، ... (الهی قمش‌های).

- و اگر به آنان فرمان داده بودیم که خود را بکشید یا از خانه‌هایتان بیرون روید، جز اندکی از آنان فرمان نمی‌بردند ... (آیتی).

- اگر بر آنها مقرر می‌داشتیم [که در راه خدا] پذیرای مرگ باشید، یا از خانه‌های خود [برای دفاع] خارج شوید، جز عده کمی از آنها [اطاعت] نمی‌کردند ... (طاهری).

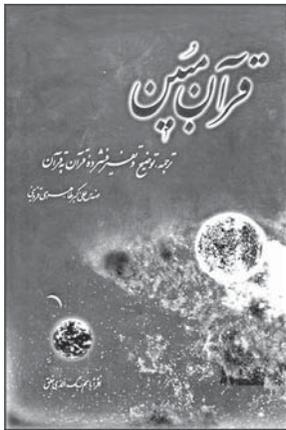
- و اگر بر آنان مقرر می‌کردیم که تن به کشتن دهید،

یا از خانه‌های خود به در آید، جز اندکی از ایشان آن را به کار نمی‌بستند ... (فولادوند).

- و (پس از آن ضعف و سستی بیشتر از مسلمانان را در پیروی از خدا و رسول یادآوری نموده میفرماید): اگر ما برایشان (مسلمانان سست ایمان) واجب می‌نمودیم که خود (یکدیگر) را بکشید، یا از منازل و سراهای خویش (وطن و میهن تان) بیرون روید (چنان که بر بنی اسرائیل واجب گردانیدیم که یکدیگر را بکشند و بسوی تیه و دشتی که در آن گمراه و سرگردان شدند بروند) جز اندکی آن را بجا می‌آوردند... (فیض‌الاسلام).

۶. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ (نساء، ۲۹).

این آیه نیز جزو آیات اختلافی بین مفسران و مترجمان قرآن کریم بوده است و اقوال متعددی در تفسیر آن بیان کرده‌اند که به بیان آنها خواهیم پرداخت، ولی آنچه که از این سخنان می‌توان نتیجه گرفت این است که محدود کردن مفهوم آیه در معنای حقیقی آن و در نهایت حکم بر حرمت خودکشی، همچنان که در بیان علامه طباطبایی نیز خواهد آمد،



□ ۹۱ کاربردهای کلمه «أنفسکم» در قرآن کریم...

با سیاق آیه خصوصاً با کلمات پایانی آیه همخوانی بیشتری ندارد پس بهتر است در این آیه نیز مفهوم مجازی آن را در نظر بگیریم، و اما نظراتی که مفسران محترم بیان داشته‌اند عبارت است از:

در تفسیر مجمع البیان به چهار قول اشاره شده است:

۱. یکدیگر را مکشید، زیرا شما پیرو یک دین هستید و همچون یک جان شمرده می‌شوید. چنان که گفته شده است: بر خویشان سلام کنید (سلموا علی أنفسکم). حسن و عطا و سدی و جبایی بر این عقیده‌اند. ۲. ابو القاسم بلخی گوید: انسان را از خودکشی در حال غضب و ناراحتی منع کرده است، ۳. با ارتکاب گناهان و ایجاد دشمنی در اکل مال به باطل، اسباب هلاک خویش را فراهم مسازید و خود را مستوجب عقاب نکنید. ۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که: خود را به خطر می‌فکنید و با کسانی که از شما نیرومندترند مجنگید (مترجمان، ۱۳۶۰: ۵/۱۱۶).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: ظاهر این جمله نهی از این است که کسی خود را بکشد، و لیکن وقتی در نظر بگیریم که پهلوی جمله: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ» قرار گرفته که ظاهر آن این است که همه مؤمنین را یک واحد فرض کرده که آن واحد دارای مالی است، که باید آن را از غیر طریق باطل بخورد، ای بسا که اشاره به این معنا از آن استفاده شود و حتی دلالت کند بر اینکه مراد از کلمه (أنفس) تمامی افراد جامعه دینی باشد، و مانند جمله قبل همه مؤمنین را فرد واحدی فرض کرده باشد، به طوری که جان هر فردی جان سایر افراد است، در نتیجه در مثل چنین مجتمعی نفس و جان یک فرد هم جان خود او است، و هم جان سایر افراد، پس چه خودش را بکشد و چه غیر را، خودش را کشته، و به این عنایت جمله: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» جمله‌ای است مطلق هم شامل انتحار می‌شود - که به معنای خودکشی است، - و هم شامل قتل نفس و کشتن غیر. و ای بسا بتوان از ذیل آیه که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» استفاده کرد که مراد از این قتل نفس که از آن نهی کرده معنایی است عمومی‌تر بطوری که هم شامل کشتن غیر شود، و هم شامل انتحار، و هم شامل به خطر انداختن خویش گردد، و خلاصه کاری کند که منجر به کشته شدنش گردد، برای اینکه در ذیل آیه نهی نامبرده را به رحمت خدا تعلیل کرده و فرموده این کار را مکنید زیرا خدا به شما مهربان است، و برای کسی پوشیده نیست که چنین تعلیلی با مطلق بودن معنا سازگارتر است، و بنابر این تعلیل، آیه شریفه

معنایی وسیع پیدا می‌کند، و همین سازگاری، خود مؤید آن است که بگوئیم: جمله: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» تعلیلی است برای جمله: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» به تنهایی (موسوی، ۱۳۷۴: ۴/۵۰۶). بنابر این، قرینه معنوی لازم برای استعمال معنای مجازی کلمه (أَنْفُسَكُمْ) در آیه موجود است. حال با این مقدمه چندین مورد از ترجمه‌ها را ذکر می‌کنیم تا میزان دقت این عزیزان را در ترجمه این آیه شاهد باشیم:

- ... و خودکشی نکنید زیرا خدا همواره به شما مهربان است. (انصاریان)

- ... و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است. (مکارم)

- ... و یکدیگر را نکشید بی‌گمان خداوند نسبت به

شما بخشاینده است. (گرمارودی)

- ... و (پس از نهی و اتلاف و تباه ساختن مال، از

اتلاف نفوس نهی کرده میفرماید): خودتان (یکدیگر) را

(که اهل یک دین و آئین و بمنزله یک تن هستید) مکشید،

که خدا بشما مهربان است (و از مهربانی او است که

تصرف در اموال را از راه باطل و قتل نفس و کشتن

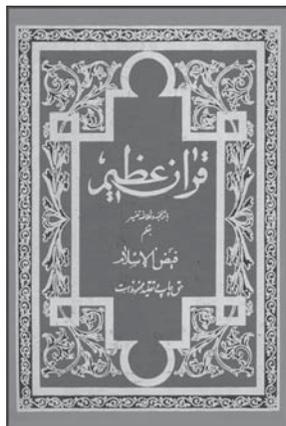
یکدیگر را بناحق بر شما حرام و ناروا گردانیده است).

(فیض‌الاسلام)

- ... و خودتان را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است. (فولادوند)

- ... و یکدیگر را نکشید، که البته خدا به شما بسیار مهربان است. (الهی قمشاهی)

- ... و خودتان را مکشید. هر آینه خدا با شما مهربان است. (آیتی)



نتیجه

کلمه (نفس) که جمع آن (نفوس و أنفس) است در قرآن به معانی مختلفی به کار رفته است، اما وقتی که این کلمه همراه ضمائر متصل استفاده می‌شوند در این ساختار، در بیشتر موارد تنها مفهوم ضمیری پیدا می‌کند که در حقیقت معادل ضمائر انعکاسی زبان انگلیسی است، مانند (أنفسکم) که معادل (yourself) به معنی (خودتان) است، ولی در بیشتر موارد هم این کلمه با وجود قرینه در مفهوم مجازی به کار رفته و به معنای (دیگران یا همدیگر) است، لذا بعضی از مترجمان محترم قرآن کریم در ترجمه این کلمات و

□ ۹۳ کاربردهای کلمه «أنفسکم» در قرآن کریم...

عبارت‌ها دقت لازم را نکرده و این ویژگیها را در ترجمه خویش لحاظ نکرده‌اند، و در نتیجه گاهی ترجمه تحت اللفظی کلمات، مفهوم نامأنوسی را ایجاد نموده است. برای نمونه، گروهی عبارت (اقتلوا أنفسکم) را به صورت (خودتان را بکشید) و گروهی دیگر به صورت (همدیگر را بکشید)، ترجمه کرده‌اند. البته میان این دو، تفاوت‌های فراوانی هست و با دقت در قرینه‌های موجود، مشخص می‌گردد که ترجمه دوم صحیح‌تر است. لذا این مقاله به بررسی و تحلیل تعدادی از آیاتی که در آنها این ضمائر مورد استفاده قرار گرفته، پرداخته و نمونه‌هایی از ترجمه‌های موجود قرآن کریم را از لحاظ رعایت یا عدم رعایت این موارد با یکدیگر مقایسه نموده و ترجمه بهتر را پیشنهاد کرده است.

□

منابع

قرآن کریم

- آیتی عبدالمحمد، ترجمه قرآن (آیتی)، انتشارات سروش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
- ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- ارفع سید کاظم، ترجمه قرآن (ارفع)، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
- اشرفی تبریزی محمود، ترجمه قرآن (اشرفی)، انتشارات جاویدان، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۰ ش.
- الهی قمشه‌ای مهدی، ترجمه قرآن (الهی قمشه‌ای)، انتشارات فاطمة الزهراء، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
- انصاریان حسین، ترجمه قرآن (انصاریان)، انتشارات اسوه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- برزی اصغر، ترجمه قرآن (برزی)، بنیاد قرآن، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- بلاغی نجفی محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- رشیدالدین میبیدی احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.
- طالقانی سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ ش.
- طاهری قزوینی علی اکبر، ترجمه قرآن (طاهری)، انتشارات قلم، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- طریحی فخرالدین، مجمع البحرين، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
- فارسی جلال‌الدین، ترجمه قرآن (فارسی)، انجام کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.

□ ۹۵ کاربردهای کلمه «أنفسکم» در قرآن کریم...

- فولادوند محمد مهدی، ترجمه قرآن (فولادوند)، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- فیض الاسلام سید علی نقی، ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، انتشارات فقیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- قرشی سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
- قرشی سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیة، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
- مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات فراهانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.
- آیت الله مکارم شیرازی ناصر، ترجمه قرآن (مکارم)، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
- موسوی همدانی سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.

